



تحلیلی بر روند سیاست تخریب و پاکسازی بافت فرسوده با تاکید بر جابه جایی جمعیت (نمونه موردی : اسلام آباد کرج)

محسن احد نژاد روشنی^۱، سمیه علیپور^۲

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه زنجان، ahadnejad@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، ShahrSazi.s@gmail.com

چکیده

با شکل‌گیری بافت‌های نامناسب در حاشیه شهر و با گذشت زمان با توجه به نامناسب بودن مصالح مورد استفاده و غیراصولی بودن، بافت موجود به بافتی فرسوده تبدیل می‌شود که در مواقعی با اسکان غیررسمی همراه است و دارای تراکم بالای جمعیتی که نیازمند مواجهه سریع و جدی در خصوص ساماندهی وضع موجود آن‌ها می‌باشد. بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، موضوعی پیچیده، چندوجهی و میان بخشی با ابعاد گوناگون کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد که نیازمند توجه به تمامی جنبه‌ها به خصوص جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنین موجود این بافت‌ها در زمان مواجهه و یا نوسازی آن‌ها ضروری می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی فرآیند شکل‌گیری بافت فرسوده در منطقه اسلام‌آباد و در نهایت ارزیابی نتایج طرح تخریب و پاک‌سازی منطقه بعد از گذشته دو دهه از ابتدای طرح می‌باشد. نوع پژوهش کاربردی و روش آن تحلیلی - توصیفی و گردآوری اطلاعات صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی می‌باشد جهت ارزیابی از اطلاعات آماری اداره ساماندهی در خصوص جمعیت منتقل‌شده از واحدهای تخریب‌شده منطقه بافت فرسوده استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بافت فرسوده در منطقه اسلام‌آباد از سال ۱۳۱۱ با ثبت تپه مرادآب به عنوان مرتع مشاع قریه بیلقان و با هجوم مهاجران با ریشه روستایی به آن شکل گرفته، از سال ۱۳۴۷ با اعلام تپه به عنوان اراضی ملی از سوی وزارت منابع طبیعی منطقه مستعد شکل‌گیری سکونتگاه غیرقانونی شده است و با گذشت چندین سال در سال ۱۳۷۰ بافت موجود در منطقه با توجه به عدم رعایت اصول و ضوابط شهرسازی به بافتی فرسوده تبدیل شده است. منطقه با توجه به بافت فشرده خود تعداد زیادی جمعیت را در خود جای داده بود که با شروع طرح جمعیت زیادی منتقل شدند. طرح تخریب و پاک‌سازی منطقه نیز از سال ۱۳۷۴ با دستور رییس جمهور وقت برای محدوده ۷۲ هکتاری بافت فرسوده آغاز شده در مدت ۱۷ سال از



شروع طرح تعداد ۱۴۵۱۲ نفر تا سال ۱۳۸۰ و ۱۵۰۵۶ نفر تا پایان سال ۱۳۹۱ که جمعاً ۲۹۵۶۸ نفر از منطقه بافت فرسوده منتقل شده‌اند.

واژگان کلیدی: ارزیابی، بافت فرسوده، نوسازی، تخریب، پاک‌سازی، جمعیت، اسلام‌آباد.

۱- مقدمه

فرسودگی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری است که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی‌قوارگی آن می‌شود. فرسودگی عاملی است که به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری و واقعه‌ای و شکل گرفتن حیات شهری روزمره‌ای کمک می‌کند این عامل با کاهش عمر اثر و با شتابی کم و بیش تند، باعث حرکت به سوی نقطه‌ی پایانی اثر می‌گردد. (حبیبی، مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۵). شروع نوسازی شهری در ایران را با شروع نهضت نوسازی که در جریان انقلاب مشروطه رخ داد باید همزمان دانست؛ اما ایده‌ها و تفکرات نوسازی جامعه که در دوره مشروطه شروع و به ویژه در تهران بسته شد با روی کار آمدن رضاشاه و تأثیر نهضت مدرنیته بر او و نفوذ مدرنیست به دربار وی، جلوه‌های عملی به خود گرفت. از نتایج روند نوسازی این دوران تخریب دیوار شهر تهران و نوسازی بافت شهر تهران و نوسازی بافت شهر تهران بود. بعد از دوره اول (۱۳۲۰-۱۳۱۲) سال‌های دوره دوم (۱۳۴۰-۱۴۲۱) را می‌توان سال‌های رکود بهسازی و نوسازی شهری در ایران خواند. در این دوره که تا اوایل دهه چهل ادامه داشت نظارت دولت بر ساخت و سازهای شهر کاهش یافت و بافت‌های حاشیه‌ای، فقیرنشین و فرسوده در داخل شهرها شکل گرفت. دوره سوم نوسازی شهری همزمان با برنامه عمرانی چهارم و در قالب نوسازی محله‌های قدیمی و ناسالم در طرح جامع شکل گرفت. بعد از انقلاب اسلامی و اوایل این دوران اقدام موثری در سیاست‌گذاری مداخله در بافت‌های کهن و قدیمی شهرها صورت نگرفت و اقدامات انجام‌شده عموماً غیر منسجم و پراکنده بودند. در فاصله ۱۳۶۶-۱۳۶۲ نظریه عمران شهری در قالب تهیه برنامه‌های توسعه‌ی شهری شکل گرفت و در نتیجه این طرح‌ها تخریب بافت‌های فرسوده شهری سرعت بیشتری گرفت. در نهایت در سال ۱۳۶۶ دفتر بهسازی بافت شهری در وزارت مسکن و شهرسازی تأسیس و اقدام به تهیه طرح و برنامه‌ریزی برای اقدامات بهسازی و نوسازی شهری نمود البته این دفتر در سال ۱۳۷۵ با نام شرکت عمران و بهسازی متولی اصلی رسیدگی به بافت کهن و فرسوده شد (عندلیب، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۵۰). با توجه به اینکه زمین‌های موجود در این سکونتگاه‌ها از زمین‌های غیرقانونی و غیررسمی می‌باشند و اکثر ساکنین آن را مهاجرین تشکیل می‌دهند و از وضعیت مالی خوبی